

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۷/۲۶

موضوع: ره‌آورد عزاداری امام حسین(علیه السلام) از نگاه یک کارشناس وهابی!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

با توجه به اینکه آخر هفته را به بعضی از شبهات اختصاص می‌دهیم، در این جلسه هم نکاتی را خدمت دوستان عرض خواهیم کرد.

قبل از محرم، ما یک جلسه ای داشتیم برای طلاب اصفهان که حدود هزار نفر بودند و مباحثی را مطرح کردیم و خبرگزاری‌ها هم در جلسه حضور داشتند و هرکدام با سلیقه خود مباحث ما را روی سایت‌ها و روزنامه‌ها تفسیر و منعکس کردند.

زمانی که جلسه خصوصی باشد، انتقادات و بیان بعضی از مسائل راحت‌تر است. ولی وقتی جلسه با حضور رسانه‌ها باشد، کار کمی سخت‌تر می‌شود. چون ممکن است برخی رسانه‌ها برداشت‌های شخصی از مباحث بکنند.

با توجه به اینکه موضوع بحث ما شبهاتی است که در رسانه‌ها مطرح می‌شود، قصد داریم حول محور رسانه‌ها و شبهات ضد شیعی و راهکارهای مقابله با آن بحث کنیم.

ره‌آورد عزاداری امام حسین(علیه السلام) از نگاه یک کارشناس وهابی!

عزیزان توجه دارند که وهابیت از یکی، دو هفته قبل از محرم شبهات علیه شیعه را شروع کردند، حتی همین دو شب پیش در «شبکه کلمه» از کارشناس وهابی به نام «عبدالله حیدری» که از مدینه روی خط می‌آید، سؤال کردند: "ره‌آورد عزاداری امام حسین امسال چه بوده است؟!"

برای این افراد وهابی بسیار سخت است که ببینند روز تاسوعا و عاشورا در ایران و سراسر جهان، شیعه، سنی و مسیحی برای عشق به امام حسین (علیه السلام) جمع می‌شوند و عزاداری می‌کنند. و اینها نمی‌توانند تحمل کنند!

از طرف دیگر هم می‌بینند که نود درصد اهل سنت شب وفات ابوبکر و عمر و عثمان را هم به خاطر ندارند و اصلاً نمی‌دانند چه سال و ماهی بوده است!!

ما با اهل سنت مشکلات چندانی نداریم؛ زیرا امام حسین (علیه السلام) میان شیعه، سنی، مسیحی، یهودی و دیگر ادیان مشترک است.

ولی تحمل این مسائل بر وهابیت به دو جهت بسیار سنگین است؛ اول اینکه می‌بینند که بزرگانشان همانند ائمه طاهرین (علیهم السلام) مورد تجلیل قرار نمی‌گیرند و از طرف دیگر به خاطر عداوتی که با ائمه طاهرین (علیهم السلام) دارند چنین موضعی را اتخاذ می‌کنند.

به دلیل اینکه عزاداری‌ها مردم را به دودمان بنی امیه بدبین می‌کند و بغض و عداوت بنی امیه را در دل بچه شیعه‌ها یا بچه سنی‌ها جایگزین می‌کند؛ لذا این عزاداری‌ها بر وهابیت بسیار سخت و سنگین است!

از کارشناس وهابی پرسیدند: "ره‌آورد عزاداری امسال چه چیزی بوده است؟!" او گفت: ره‌آورد عزاداری در چند جمله خلاصه می‌شود.

نکته اول این است که شیعیان در عزاداری امسال کارهایی مخالف اسلام و مخالف سنت پیغمبر اکرم انجام دادند. سینه زدند، زنجیر زدند، قمه زدند!

نکته دوم این است که علما و مراجع و روحانیت شیعه و به بیان دیگر «تاجران دین»، از این عزاداری‌ها استفاده می‌برند. این عزاداری‌ها برای آنان چندین فایده دربر داشته است:

فایده اول این است عزاداری‌ها منافع جنسی علما را تأمین کرده است؛ زیرا در این عزاداری‌ها مباحثی نظیر صیغه کردن، ارتباط با زنان دیگران، زنان شوهردار، زنان فاحشه، زنان مسیحیت و زنان یهودیان، مطرح شد!!! من دیشب گفتم: این شخص تنها زنان وهابی را نام نبرد که شاید بعدها آنان را هم نام ببرند. آنها جرئت نمی‌کنند زنان اهل سنت را نام ببرند؛ اما اگر قرار باشد که علما با زنان فاحشه یا زنان مسیحی و یهودی رابطه برقرار کنند؛ زنان وهابی نسبت به زنان اهل کتاب اولویت دارند!!!

جواب این افراد را باید اینطوری داد تا این‌ها بسوزند وگرنه اگر بخواهید از طریق منطق این افراد را قانع کنید، به هیچ وجه تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند.

فایده دوم این است که اینها جیب مردم را خالی کردند. مردم را فریب دادند و گفتند که شما بیایید بیست درصد اموالتان را به عنوان خمس به ما بدهید!!

بنابراین این عزاداری‌ها هم مسائل جنسی علما و تاجران دین را فراهم کرد و هم اینکه اموال مردم را غارت کردند و به غصب تصرف کردند!!

فایده سوم این است که میان امت اسلامی اختلاف ایجاد کردند.

بنابراین تمام ره‌آورد عزاداری شیعیان از دیدگاه وهابیت، امسال در رسانه‌ها به همین چند موضوع ختم می‌شد. بنابراین فلسفه و ره‌آورد عزاداری و نتیجه عزاداری‌ها همین شده است.

البتة الحمد لله رب العالمين بچه شیعه های ما در مقابل کارهایی انجام می دهند، ما نمی‌خواهیم بگوییم که بچه شیعه‌های ما کار نمی‌کنند، اما کاری که آنان انجام می‌دهند در مقایسه با کاری که بچه شیعه‌ها انجام می‌دهند قابل مقایسه نیست!

وهابیت اتاق فکر دارند، صدها ساعت وقت می‌گذارند تا ببینند چکار کنند که احساسات مردم را تحریک کنند؛ اما ما گاهی اوقات پنج دقیقه فکر می‌کنیم و می‌خواهیم به وسیله آن ده ساعت حرف بزنیم!

از طرف دیگر در فضای مجازی شبهات عزاداری الی ماشاءالله مطرح بود. البتة تعدادی از بچه شیعه‌ها خوب به میدان آمدند و شبکه‌های وهابی را در بن‌بست قرار دادند. سؤالاتی را مطرح می‌کردند که کمر اینها را می‌شکست. حتی یک شب «ملازاده» در جواب یکی از این سؤالات بچه شیعه‌ها گفت:

"جواب شما را بلد نیستم، بلد نیستم، بلد نیستم!!"

در طول این هفت، هشت سال اخیر برای اولین بار بود که بچه شیعه‌ها کارشناسان وهابی را این‌طور مستأصل کرده بودند. بچه شیعه‌ها مخصوصاً بچه‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله از اول محرم آنجا می‌رفتند و فقط یک سؤال از کارشناسان وهابی می‌پرسیدند و آنها را گرفتار می‌کردند!

عزاداری عایشه برای پیغمبر اکرم؛ با سند صحیح در منابع اهل سنت!

به طور مثال می‌پرسیدند که «احمد بن حنبل» با سند صحیح نقل کرده است که عایشه در رحلت پیغمبر اکرم سینه زنی می‌کرده است. اگر سینه زدن بدعت است، اولین بدعت گذار خود عایشه است!!

کارشناسان وهابی هرکدامشان این سؤال را به نوعی جواب دادند. بحثی را پیش کشیدند و مثلاً گفتند: در روایتی که برای عایشه وجود دارد وارد شده است؛

«فَمِنْ سَفْهِی وَخَذَائَةِ سَبِّی أَنْ رَسُولَ اللَّهِ قُبِضَ وَهُوَ فِي حِجْرِي، ثُمَّ وَضَعْتُ رَأْسَهُ عَلَى وَسَادَةٍ، وَقُمْتُ
أَلْتَدِمُ مَعَ النِّسَاءِ، وَأَضْرِبُ وَجْهِي»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، ج ٤،
ص ٢٧٤، ح ٢٤٣٩١

اگر شما به کتب لغت مراجعه کنید، خواهید دید که «ألتدم» به معنای سینه زدن است. مثلاً در کتاب «العين»
نوشته «فراهیدی» وارد شده است که می‌گوید:

«اللَّدْمُ: ضَرْبُ الْمَرْأَةِ صَدْرَهَا وَعَضْدِيهَا فِي النَّيَاحَةِ»

کتاب العين، المؤلف: أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد بن عمرو بن تميم الفراهيدي البصري (المتوفى: ١٧٠ هـ)،
المحقق: د مهدي المخزومي، د إبراهيم السامرائي، الناشر: دار ومكتبة الهلال، ج ٨، ص ٤٦

همچنین «الأزهری» در «تهذيب اللغة» می‌نویسد:

«ضَرْبُ الْمَرْأَةِ صَدْرَهَا، وَالْتَدَمُ النِّسَاءِ إِذَا ضَرَبْنَ وَجُوهَهُنَّ فِي الْمَاتَمِ»

تهذيب اللغة، المؤلف: محمد بن أحمد بن الأزهری الهروی، أبو منصور (المتوفى: ٣٧٠ هـ)، المحقق: محمد عوض
مرعب، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ٢٠٠١ م، ج ١٤، ص ٩٥

همچنین «قاموس المحيط» در این مورد تعبیر زیبایی دارد و می‌نویسد:

«اللَّدْمُ: اللَّطْمُ، وَالضَّرْبُ بِشَيْءٍ ثَقِيلٍ يَسْمَعُ وَقْعَهُ،»

لدم: لطمه زدن و به سر و سینه زدن با شیئی سنگین است.

القاموس المحيط، المؤلف: مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (المتوفى: ٨١٧ هـ)، تحقيق:

مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة، بإشراف: محمد نعيم العرقسوسي، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة

والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م، ج ١، ص ١١٥٧

این روایت اصلاً مشروعیت زنجیرزنی را ثابت می‌کند. زمانی که عایشه و همسران پیغمبر اکرم نه تنها با دست،

بلکه با شیئی سنگین به سر و سینه می‌زدند؛ در حقیقت مشروعیت عزاداری و نوحه‌سرایی و سینه زنی بلکه

زنجیر زنی را اثبات می‌کند!

در کتاب «لسان العرب» هم این کلمه به همین صورت معنا شده است:

«اللَّدْمُ اللَّظْمُ وَالضَّرْبُ بِشَيْءٍ ثَقِيلٍ يَسْمَعُ وَقْعَهُ»

در ادامه می‌نویسد:

«وَالتَّدَامُ النِّسَاءُ ضَرْبُهُنَّ صُدُورَهُنَّ وَوَجُوهَهُنَّ فِي التِّيَاحَةِ»

و پس از آن روایت عایشه را می‌آورد:

«وفى حديث عائشة قُبِضَ رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو فى حَجْرِي ثم وَضَعْتَ رَأْسَهُ عَلَى وَسَادَةٍ

وَقُمْتُ أَلْتَدِمُ مَعَ النِّسَاءِ وَأَضْرِبُ وَجْهِي»

لسان العرب، المؤلف: ابن منظور، المحقق: عبد الله على الكبير + محمد أحمد حسب الله + هاشم محمد الشاذلي،

دار النشر: دار المعارف، البلد: القاهرة، ج ٥، ص ٤٠٢١

در برابر این تعبیری که از عایشه در اینجا وجود دارد، که می‌گوید:

«فمن سفهى وحدائة سنى»

از سفاهت من و کم سنی من بود که سینه‌زنی کردم.

اولاً، زمانی که بعضی از طلبه‌ها و بعضی از فضلا روی خط آنان می‌رفتند، خوب توضیح می‌دادند که «فمن سفهی وحدائة سنی» به واژه اول برمی‌گردد.

یعنی این جمله به معنای این است که عایشه می‌گوید از سفاهت و کم سنی من بود زمانی که پیغمبر اکرم بر دامن من از دنیا رفت سر او را روی متکا گذاشتم که نباید چنین کاری می‌کردم. در حقیقت «وقمت ألتدم» جمله مستقلی است و ارتباطی به «سفهی» ندارد.

عایشه می‌خواهد در این روایت بگوید که من نباید با پیغمبر اکرم چنین کاری می‌کردم و سر ایشان را از روی سینه خودم روی بالشت می‌گذاشتم.

به بیان بهتر می‌خواهد بگوید بلافاصله بعد از جان دادن نباید سر رسول الله را از سینه خودم برمی‌داشتم. همان‌طور که ایشان در حال حیات سرشان روی دامن من بود و من سر مبارکشان را بر نمی‌داشتم بعد از وفات هم باید همین کار را می‌کردم.

ثانیاً، عایشه طبق نظر اهل سنت در ۱۷ سالگی پیغمبر اکرم را از دست دادند؛ اما طبق نظر اهل تحقیق ۲۷ ساله بوده است. حال بر فرض که ۲۷ سال نداشت و ۱۷ سال داشت. اگر این فرض را بپذیریم یعنی ۸ سال از دوران بلوغ او گذشته است.

کسی که ۸ سال با پیغمبر اکرم بوده است و شما ۲۲۰۰ روایت از او نقل می‌کنید و پیغمبر اکرم هم در مورد او فرموده است:

«خذوا ثلثی دینکم من هذه الحمیراء»

دو سوم دینتان را از عایشه بگیرید.

تفسیر الرازی، نویسنده: فخر الدین الرازی، ج ۳۲، ص ۳۲، باب سورة القدر

ما قبلاً هم در این مورد بحث کردیم که در مواردی این روایت بیان شده است. در بعضی موارد «نصف دینکم» وارد شده است و در بعضی از موارد «ثلثی دینکم» وارد شده است.

حال اگر کسی بخواهد بگوید: "عایشه موقع وفات پیغمبر اکرم سفیه بوده است"؛ سفیه به معنای بی عقل و دیوانه است؛ حکم چیست؟!

کسی که موقع وفات پیغمبر اکرم عقل نداشت و به دلیل سفیه بودن و سن کم خود سینه زنی کرده است، ۲۲۰۰ روایت او هم زیر سؤال می رود. خود او می گوید: زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت سفیه بودم و عاقل نبودم! بنابراین طبق این بیان، سفیه بودن او در زمان حیات پیغمبر اکرم هم وجود داشته است؛ یعنی طوری نبوده است که با رحلت پیغمبر اکرم سفاهت بر او عارض شود و حوادث سن بر او عارض شود.

بنابراین او در هشت سالی هم که در خدمت پیغمبر اکرم بوده است سفیه بوده است. این مطالب قرینه هم دارد؛ مطالب جنسی که در مورد پیغمبر اکرم از قول عایشه نقل می شود، از هیچ انسان عاقلی نقل نمی شود.

مثلاً از او نقل شده است که می گوید: "پیغمبر اکرم روزه بود و می آمد زبان من را می مکید، ران من را برهنه می کرد و روی ران من بود"؛ همچنین دیگر مطالبی که از او نقل می شود از هیچ انسان عاقلی نقل نمی شود!

این روایات یا دروغ است و یا راست است!! البته ما می گوییم: این روایات را منافقین از جمله بنی امیه و یهودیان به جهت بغضی که نسبت به رسول الله داشتند، درست کردند تا پیغمبر اکرم را بدنام کنند.

بر فرض که این روایات درست باشد، این روایات جنسی که از عایشه نقل می کنید، چه توجیهی دارد؟! هیچ انسان عاقلی روایاتی که از زبان عایشه نسبت به رابطه خود و پیغمبر اکرم نقل شده است را در جایی مطرح نمی کند.

آیا همسران شما حاضرند در ملأ عام چنین حرف‌هایی بزنند؟! این روایات در «صحاح سته» و «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» نقل شده است. هیچ انسان عاقلی جزئیات رابطه خود با همسرش را بیان نمی‌کند.

اصلاً چطور ممکن است با وجود ۱۲۴ هزار صحابه، مردم مسائل جنسی خود را از عایشه سؤال کنند؟! «جابر بن عبدالله انصاری»، «ابو هریره»، «أنس بن مالک»، «حذیفه»، «عبدالرحمن»، «ابوبکر»، «عمر» و «سعد بن ابی وقاص» مگر صحابه پیغمبر اکرم نبودند؟!

چرا افراد مسائل شرعی خود را از این صحابه نمی‌پرسیدند و از عایشه می‌پرسیدند؟! شما اگر کتب روایی اهل سنت را مطالعه کنید، مشاهده می‌کنید هر جایی که بحث مسائل جنسی به میان می‌آید همه افراد سراغ عایشه رفتند!! این چه رمزی دارد!؟

از او سؤال می‌کنند که چطور غسل می‌کنند؟! او می‌گوید: "آبی بیاورید"، همانجا لخت می‌شود و غسل می‌کند و می‌گوید: این‌طور غسل می‌کنند. او سر و گردن خود را می‌شوید، سمت راست و سمت چپ خود را می‌شوید!!

آیا این وهابی‌ها و مفتیان عربستان حاضرند که زنشان نه، مادرشان که ۷۰ یا ۸۰ سال دارد، به این سؤالات اینگونه جواب بدهد؟! آیا حاضرند جلوی فرزندشان یا برادرشان برهنه شوند و غسل را به محارم خود یاد دهند؟! البته اینجا مقداری هم تقصیر بچه شیعه‌های ما هست که در این قضایا دستشان پر نیست! کارشناسان وهابی استاد مغلظه هستند، مخصوصاً کسانی که در دانشگاه «محمد بن سعود ریاض» درس خوانده‌اند، یکی از رشته‌های تخصصی‌شان مغلظه و جدل در مناظره است!

حالا کسانی که در مدینه درس خوانده‌اند خیلی در مناظره مسلط نیستند. یک بچه هفت هشت ساله ما، این افراد را از پا درمی‌آورد؛ اما کسانی که درس خوانده دانشگاه «أم القری» و «محمد بن سعود» هستند در جدل و مغالطه به قدری مسلطند که ما به حالشان غبطه می‌خوریم!!

در مقابل، بچه شیعه‌های ما نه فن مناظره خوانده‌اند و نه اطلاعات و سرمایه علمی آنچنانی دارند. بنابراین آن‌ها زمانی که مشاهده کردند «فمن سفهی وحدائة سنی» تمام روایات آنان را زیر سؤال می‌برد، جواب‌های دیگری دادند.

بر فرض عایشه سفیه بوده است، در این روایت «مع النساء» هم وجود دارد. این زنان، زنان یهودیان و مسیحیان و منافقین که نبودند؛ بلکه قدر متیقن أمهات المؤمنین بودند. همچنین در این مورد روایات دیگری هم وجود دارد مبنی بر اینکه زنان پیغمبر اکرم شروع به سینه‌زنی کردند.

«مع النساء» در اینجا اشاره به زنان موجود در خانه دارد. الف و لام، الف و لام عهد ذکری است. زنان دیگران که اجازه ورود به خانه را نداشتند، بلکه زنان پیغمبر بودند که در خانه حضور داشتند و در حال احتضار پیغمبر اکرم همگی جمع شده بودند.

در روایت دیگری وارد شده است که راوی می‌گوید:

«فرأیت أزواجه قد وضعن الجلابیب عن رؤسهن یلتمدن فی صدورهن ونساء الأنصار یضربن الوجوه

فذبحت حلوقهن من الصیاح»

زنان پیغمبر اکرم چادرهای خود را برداشته بودند و به سینه می‌زدند و زنان انصار به قدری ناله می‌کردند که حلقومشان پاره می‌شد.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری (المتوفی: ۲۷۹ هـ)، ج ۱، ص ۲۴۸، باب ذکر

البئار آلتی کان یستعذب رسول الله

این آقایان وهابی درباره این روایت سینه زنی عایشه گفتند: "عایشه اشتباه کرده است و عبارت «فمن سفهی وحدائة سنی» را از روی پشیمانی بیان کرده است". عایشه که معصوم نبوده است و او هم مانند سایر مردم اشتباه کرده است!

البته دوستان دقت داشته باشند که این افراد در مناظرات روشی دارند که فهمیدن آن خیلی برایتان مفید است. اگر شما عبارتی حتی از «صحيح بخاری» هم بیاورید که گیر کنند و جوابی برای گفتن نداشته باشند، می‌گویند: "بخاری که معصوم نبوده است!"

اگر از قول صحابه هم روایتی نقل کنید، می‌گویند: "صحابه هم معصوم نبوده‌اند. ما قائلیم صحابه اشتباه می‌کردند."

ما به بچه‌ها یاد دادیم زمانی که آن‌ها گفتند: "صحابه اشتباه کردند"، شما به آنها بگویید: "آیا خود شما اشتباه نمی‌کنید؟!" همین که می‌گوئید صحابه اشتباه کردند، اشتباه نیست؟! آیا خود شما معصوم هستید؟!

جواب شما یا منفی است یا مثبت است! اگر شما می‌گویید که من اشتباه نمی‌کنم، بنابراین معلوم می‌شود یک معصوم هم دارید و آن هم خود شما هستید. پیغمبر اکرم معصوم نیست، صحابه معصوم نیستند اما شما معصوم هستید!

اگر می‌گویید من اشتباه کردم، فایده این بحث‌ها چیست؟! از صحابه نقل می‌کنیم، می‌گویید: شاید اشتباه کرده است. از «بخاری» نقل می‌کنیم، می‌گویید: شاید اشتباه کرده است. از عایشه نقل می‌کنیم، می‌گویید: شاید اشتباه کرده است.

از خود شما نقل می‌کنیم و شاید شما هم اشتباه کرده باشید، بنابراین فایده این بحث‌ها چیست؟! اگر مردم بخواهند به حقیقت برسند، باید در چه راهی قدم بگذارند؟! تمام روایات شما از صحابه با چند واسطه آمده است، شاید آن‌ها هم اشتباه کرده باشند!

تنها یک راه وجود دارد و آن هم این است که رسول اکرم را از قبر زنده کنید و در ماهواره بیاورید تا مستقیم برای مردم صحبت کنند؛ البته اگر نگوئید پیغمبر اکرم اشتباه کرده است و هذیان می‌گوید!!!

شاید بگوئید: "پیغمبر اکرم از قبر بیرون آمده است و نستجیر بالله هذیان می‌گوید"؛ دوستانی که این حرف را بیان کردند، آن‌ها دیگر هیچ جوابی برای گفتن نداشتند.

من بارها مثال زدم و گفتم: زمانی که در جنگ احد مشرکین شعار می‌دادند، رسول اکرم به لشکریان فرمودند که شعار شما هم باید طبق شعار آنان باشد. آن‌ها می‌گفتند:

«اعلی هُبَلُ»

و پیغمبر اکرم فرمودند که شما داد بزنید و بگوئید:

«اللَّهُ أَغْلَى وَ أَجَلُ»

تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۱۱۷، باب ۳

سورة آل عمران مدنیة و هی مائتا آية ۲۰۰

آن‌ها دیدند که قافیه را باختند، بنابراین شعار دادند:

«لَنَا الْعُزَّى وَ لَا عُزَّى لَكُمْ»

ما بت عزى داریم و شما ندارید.

پیغمبر اکرم در جواب می‌فرمودند:

«اللَّهُ مُؤَلَّانًا وَ لَا مُؤَلَّى لَكُمْ»

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۲۷۴، باب احتجاج الحسن بن علی بن ابی طالب ع علی جماعه من المنکرین لفضله و فضل أبیه من قبل بحضرة

معاوية

نبی گرامی اسلام هماهنگی می‌کردند و هر شعاری که آن‌ها می‌دادند، مطابق آن شعار می‌دادند. بنابراین ما باید تلاش کنیم طراحی‌های ما مطابق طراحی شبهات آنان باشد.

اگر آنان به طرف ما کلوخ پرتاب کردند، ما نیاییم کلوخ را بگیریم و همانند مسیحیت بگوییم: اگر یک سیلی به طرف راست صورت من زدی، یکی هم به طرف چپ من بزن!!

جواب کلوخ سنگ است! اگر وهابیت یک کلوخ به طرف ما پرتاب کردند، ما باید در برابر، ده تا سنگ محکم و قوی و مقتدرانه به طرف آنان پرتاب کنیم.

سؤال: شاید هدفشان این باشد که بگویند: استدلال کافی نیست. اگر به آنان بگوییم که تو هم اشتباه کردی، شاید بگوید استدلال کافی نیست که به یقینی برسیم و پاسخشان را بدهیم.

جواب: الآن من می‌خواهم به یک نتیجه‌ای برسم و بینم آیا من می‌توانم به این کاری که عایشه کرده است، به عنوان یک سنت صحابه عمل کنم یا نمی‌توانم عمل کنم!؟

اگر من بگویم اینجا اشتباه کرده است، در فلان جا هم که از پیغمبر اکرم نقل کرده است باید بگویم شاید اشتباه کرده است. بنابراین سنگی رو سنگ بنا نخواهد شد. زیرا اشتباه او تنها در این مورد که نیست!

زمانی که راوی در یک مورد اشتباه کرد، معلوم می‌شود که اقتضای اشتباه در او هست. زمانی که اقتضائیت را در آن ثابت کردید، این اقتضائیت به دیگر روایات او هم تسری می‌کند.

ما که می‌گوییم: "فلانی روایت آورده است و دروغ گفته است"، اگر همین یک مورد دروغ یک راوی ثابت شد دیگر روایات او همگی از درجه اعتبار می‌افتد. شما نمی‌توانید بگویید شاید همین یک روایت را دروغ گفته است و در بقیه موارد صحیح نقل کرده است؛ زیرا:

«الكاذب قد يصدق»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج

۳۰، ص ۲۵۹، باب الثالث عشر

دروغگو این‌طور نیست که همیشه دروغ بگوید، بلکه انسان‌های دروغگو گاهی موارد راست هم می‌گویند. ولی زمانی که ثابت بشود راوی در موردی از پیغمبر اکرم دروغ نقل کرده است، همین یک مورد به همه جا سرایت می‌کند.

جواب وهابیت از سینه زنی و عزاداری عایشه!

وهابیت در این موارد چند جواب دادند که من این جواب‌ها را عرض می‌کنم. عزیزان این جواب‌ها را یادداشت کنند تا از ذهن فرار نکنند.

جواب اول: وهابیت می‌گویند: "عایشه اشتباه کرده است و خود او هم گفته است: «فمن سفهی وحادثة سنی»؛

پاسخ ما: ما در جواب می‌گوییم: بعد از اینکه پدر او هم از دنیا رفت، باز عزاداری کرد!

«لما توفى أبو بكر أقامت عائشة عليه النوح»

زمانی که ابوبکر از دنیا رفت، عایشه برای او مراسم نوحه‌سرایی برگزار کرد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر:

دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۵، ص ۷۴، قوله باب إخراج أهل المعاصی والخصوم من

البيوت بعد المعرفة

این روایت در بیش از سی کتاب اهل سنت وارد شده است که عایشه برای پدرش بساط نوحه‌سرایی ایجاد کرد که تمام این روایات با سند صحیح موجود است.

جواب دوم؛ وهابیت گفتند: وفات پیغمبر اکرم با مرگ ابوبکر فاصله زمانی زیادی نداشت و حدود دو سال بیشتر

فاصله نداشت. عایشه در زمان رحلت پیغمبر اکرم ۱۷ ساله بود و در زمان مرگ ابوبکر ۱۹ سال داشت؛ دو سال

حادث سن را افزایش نمی‌دهد!!

پاسخ ما: ما در این زمینه روایتی را پیدا کردیم که «طبقات الکبری» اثر «ابن سعد» آن را نقل کرده است و

می‌گوید:

«وكانت عائشة زوج النبي تقى ام النوح على الهالك من أهلها»

عایشه تا آخر عمر برای هرکدام از بستگان خود که از دنیا می‌رفت نوحه‌سرایی می‌کرد.

الطبقات الکبری، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصری الزهری، دار النشر: دار صادر - بیروت،

ج ۳، ص ۳۴۶، باب ذکر استخلاف عمر رحمه الله

این روایت علاوه بر این کتاب، در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۴ صفحه ۴۱۵ وارد شده است. بنابراین اگر قرار

است نوحه سرایی شیعیان بدعت باشد، اولین بدعت گذار خود عایشه است!

شما اول تکلیف عایشه را با این مدارکی که شما خودتان در کتب خودتان آوردید، روشن کنید؛ بعد ما می‌بینیم قضیه چیست. بنابراین عایشه بدعت گذار بوده است و بعد از رحلت پیغمبر اکرم و وفات پدر و بستگانش این کار را انجام می‌داده است.

این قضیه برای وهابیت استخوان در گلو شده بود و هیچ راه گریزی از آن نداشتند. همین که کسی روی خط می‌آمد و اسم عایشه را می‌آورد، تلفن او را قطع می‌کردند و می‌فهمیدند که قضیه چیست!

ما باید طبق تعبیر امام صادق (سلام الله علیه) عمل کنیم که فرمودند: «یخزبهم و یبیدی عوراتهم» باید نواصب را ذلیل و رسوا کنیم!!

بنابراین دوستان عزیز همان‌طور که آن‌ها از تمام امکانات استفاده می‌کنند، ما هم باید از همان امکانات مقتدرانه ورود پیدا کنیم.

چند روز پیش آقای در اصفهان از من سؤال کرد شما که الآن ۳۵ سال با وهابیت سروکار دارید، تا به حال موردی پیش آمده است که سؤالی بپرسند و شما جوابی نداشته باشید؟! من گفتم: والله تالله بالله تا الآن برای من اتفاق نیفتاده است!

تاکنون اتفاق نیفتاده است که وهابیت سؤالی بپرسند و بنده جوابی نداشته باشم. بالاترین لغزشگاه و نقطه ضعف شدید شیعه را در این می‌بینند که می‌گویند: شما حرف از وحدت می‌زنید، درحالی‌که امام خمینی در کتاب «کشف الأسرار» می‌نویسد: ابوبکر و عمر اصل کفر و زندقه بودند. همچنین می‌گویند: عایشه و طلحه و زبیر و معاویه از سگ و خوک هم نجس‌تر هستند!!

بهترین جواب در اینجا که آنها را مات و مبهوت می کند این است که بگوییم: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلیفه به حق بودند، «عایشه» و «طلحه» و «زبیر» جنگ جمل و صفین را ایجاد کردند که باعث شد ۱۵۰ هزار نفر کشته شوند؛ اینها می گویند که این افراد اجتهاد کردند و خطا کردند!

سی هزار نفر کشته در جمل نتیجه اجتهاد «عایشه» و «طلحه» و «زبیر» بوده است. ۱۱۰ هزار نفر کشته در جنگ صفین نتیجه اجتهاد اشتباه «معاویه» بوده است. امام خمینی هم مجتهد بودند و اجتهاد کردند و ممکن است خطا بکنند!

شما هم که می گویند:

«وإذا اجتهد فأخطأ الحق فله أجر واحد»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ -

۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۱۸۵

همان طوری که «عایشه» و «طلحه» و «زبیر» اجتهاد کردند و اشتباه کردند و سی هزار نفر را کشتند، اجر هم دارند، نهایتاً امام خمینی (رحمة الله علیه) هم اجتهاد کرده است. ما که مسببه نیستیم و مخطئه هستیم. شما هم اینگونه هستید.

نهایتاً یک پاداش هم دارد، شما باید برای او چند حمد و سوره هم بخوانید؛ زیرا که او اجتهاد کرده است و اجتهاد او به اینجا رسیده است. آیا اجتهاد این حرف که "آنها از سگ و خوک هم نجس تر هستند" بالاتر است یا اینکه ۱۴۰ هزار انسان را بکشند؟!

البته جواب های دیگری هم وجود دارد که دوستان اشاره کردند و شما هم دارید؛ اما بهترین جواب که دیگر هیچ راه گریزی ندارند همین جواب است. آقا اجتهاد کرده است، اشتباه کرده و ثواب هم برده است!

اگر واقعاً این حرف درست بود و این افراد نجس‌تر از سگ و خوک بودند، امام خمینی (رحمة الله عليه) دو ثواب می‌برد: حال که شما می‌گویید این افراد نجس‌تر از سگ و خوک نیستند، نهایتاً امام خمینی یک ثواب برده است!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته